بسمه تعالی

رابطه اوصاف الهی با بلایای فراگیر در کودکان

از منظر کلام امامیه

(با محوریت بیماری کرونا)

فاطمه رئوفی تبار[[1]](#footnote-1)

## چکیده

بلایای فراگیر، همچون کرونا؛ برای افراد بشر و به ویژه کودکان، آسیب‌های مختلفی را به دنبال دارد که عذاب‌های روحی و ترس از ابتلای خود یا اطرافیان، رنج‌های جسمی ناشی از ابتلاء و در نهایت، مرگ؛ نمونه‌هایی از آن است. این پژوهش بر آن است تا با روش تحلیلی- توصیفی و در قلمرو مباحث کلامی؛ به بررسی دیدگاه متکلمان امامیه پیرامون رابطه اوصاف الهی با بلایای فراگیر در کودکان با محوریت بیماری کرونا بپردازد. بر این اساس، شایع ترین چالش عقیدتی در بلایا؛ عدالت و حکمت الهی را نشانه می‌رود. متکلمان امامیه در پاسخ به این شبهه، معتقدند که به جز بلایای استحقاقی که عکس العمل رفتارهای فرد است؛ سایر رنج‌هایی که بر کودک وارد می‌آید؛ جبران می‌شود. این جبران در بلایای اخلاقی که خداوند به واسطه قدرت بخشی به ظالم، در آن نقش دارد؛ به صورت اصل انتصاف و دادخواهی و در رنج‌های طبیعی و بی واسطه؛ به صورت اصل عوض و لطف؛ ظهور می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** بلایای فراگیر، رنج، بیماری کرونا، کودک، کلام امامیه.

## مقدمه

کرونا، خانواده بزرگی از‌ ویروس‌ها هستند که ابتلا به طیفی از عفونت‎های دستگاه تنفسی را در انسان، موجب می‌شوند و از سرماخوردگی تا ابتلا به بیماری‌های شدیدتری مثل سندروم تنفسی خاورمیانه (مرس-MERS) و سندروم تنفسی حاد (سارس-SARS) متغیر هستند. ویروس کرونایی که به تازگی کشف شده است؛ عامل ابتلا به بیماری کووید-19 است. این ویروس نوظهور و بیماری ناشی از آن، تا قبل از شروع طغیان اخیر در دسامبر سال 2019 در شهر ووهان کشور چین، ناشناخته بوده است و گذشته از این که سلامت انسان ها را با خطرات جدی روبرو نموده و شمار زیادی را از نعمت زندگی محروم داشته، در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز جامعه جهانی را دچار چالش کرده است.

رابطه زیست مومنانه و اعتقادات دینی با مسئله شر، از جمله اموری است که از دیرباز ذهن‌های پرسش‌گر را به خود معطوف داشته است و دارای پیشینه ای کهن در افکار بشری است و تقاریر مختلفی را به خود دیده؛ از این جهت شر، یک مساله و یک شبهه نیست تا با طرح کلی آن، پاسخ ‌های متعددی از قائلین به تقاریر مختلف را در ذیل آن طرح نمود. این مسئله، حداقل با چهار تقریر در فلسفه دین و کلام جدید، ثنویه، فلسفه اسلامی و کلام اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. در کلام اسلامی شرور به صورت چالشی در برابر صفت عدل و حکمت الهی مطرح شده و از این رو، در ضمن مباحث عدل قرار گرفته است. چالش مطرح در میان مردم نیز غالبا همین نگاه کلامی است که از عدل و حکمت الهی با وجود شرور می‌پرسد.

پرسش ها از شرور در مواجهه با کودکان و افراد بی گناه، اهمیت دو چندانی یافته و علاوه بر تنش های فکری و ذهنی؛ احساسات و عواطف را نیز درگیر می‌کند. آنچه در این نوشتار به آن پرداخته می‌‌شود و آن را از سایر نگارش‌های مشابه خود، متمایز می‌دارد، بررسی دیدگاه متکلمان امامیه، پیرامون مسئله بلایای فراگیر در کودکان با محوریت بیماری کرونا است که در راستای آن مسائلی چون؛ نسبت شرور با حکمت و عدل الهی، روشن می‌گردد.

## مفهوم شر در کلام اسلامی

شر در میان اندیشمندان علم لغت به «ضد خیر» تعریف شده است و به معنای امری است که برای انتخاب و اختیار آن، تمایل و رغبتی نیست؛ چرا که در آن، ضرر و سوء اثر و فساد است. (فراهیدی، 1409 ه.ق، ج6، ص216، ابن منظور، بی‌تا، ج4، ص400 و مصطفوی، 1385 ه.ش، ج6، ص65)

اصطلاح شر، تقاریر مختلفی را به خود دیده است و بسته به علم مورد بحث از سایر تقاریر هم نام خود، متمایز می‎شود: در فلسفه دین و کلام جدید، این مسئله چالشی در برابر اصل وجود خدا است. در نزد ثنویه؛ شرور، یگانگی خدا را زیر سوال می برد. در فلسفه اسلامی، شرور، مشکلی در برابر نظریه صدور و سنخیت علت و معلول است. آنچه متکلمان اسلامی از آن بحث می کنند؛ مسئله ای در برابر عدل و حکمت الهی است. متکلمان به جای استعمال واژه شر؛ الم را به کار می گیرند که از تحلیل آنان در ارجاع شرور به الم و رنجی که به آن منتهی می‌شود؛ حکایت دارد. در کتب لغت، الم به معنی درد یا درد شدید عنوان شده است.(راغب اصفهانی، 1412 ه.ق، ص82 و ابن منظور، بی‌تا، ج12، ص22) خواجه نصیرالدین طوسی در مباحثی که ذیل شرور مطرح می دارد، عنوان «فی الالم و وجه حسنه» را به کار می برد و این چنین آغاز می کند: «بعض الالم قبیح یصدر منا خاصه و بعضه حسن یصدر منه تعالی و منا»؛ بعضی از انواع الم، قبیح است که فقط از ما صادر می‌شود و بعضی از الم ها، حسن است که از خدای تعالی و ما صادر می‌شود. ‌(حلی، 1413 ه.ق، ص330).

در ارتکاز ذهنی نیز سیل، زلزله و بیماری از آن رو شر نامیده می‌شود که درد و رنجی را به دنبال دارد و اگر از این قبیل حوادث، آسیبی به سوی بشر، نشانه نرود و یا همراه با نفعی باشد؛ شر، نام نمی گیرد.

## رنج های کرونا برای کودکان

بیماری‌های فراگیر، همچون کرونا؛ آسیب‌ها و رنج‌های متفاوتی را برای بشر و به ویژه کودکان به دنبال دارد. اگرچه بیماری کوئید19، کم ترین اثر را بر روی کودکان داشته و ویروس کرونا، تا کنون در کودکان فاقد بیماری‌های زمینه ای، اغلب به صورت بیماری خفیفی رخ نموده است؛ اما نمونه‌های انگشت شمار مرگ ناشی از این ویروس در کودکان و نیز پیش بینی مدیر اجرایی صندوق کودکان سازمان ملل متحد(یونیسف) مبنی بر افزایش مرگ کودکان بر اثر این بیماری با تغییر شکل ویروس، نشان‌گر آن است که پیامد سخت مرگ در این شر، دور از انتظار نخواهد بود.(برگرفته از سایت سازمان ملل متحد، یونیسف)

علاوه بر آن، اصل ابتلا به بیماری کرونا، رنج ها و دردهای ناشی از آن، بستری و دوری از خانه یا خانواده از جمله نتایج رنج آور این ویروس است. خوش بینانه ترین پیامد این ویروس در کودکان هم، زمانی است که این بیماری، کودک را دربرنگیرد. در این صورت نیز عذاب های روحی ناشی از فراگیری این ویروس؛ چون ترس از بیماری و مرگ خود یا از دست دادن اطرافیان؛ او را می‌رنجاند و به گفته محققان؛ تعطیلی مدارس، سر کار نرفتن پدر و مادر، دوری از اقوام و دوستان، محدود شدن تفریح و خرید و...؛ درگیری های ذهنی فراوانی را در کودک موجب می‌شود که با پرخاشگری، بی قراری، کاهش اشتها، اختلال در خواب، گریه های مکرر، مشکلات خواب؛ اعم از بی خوابی یا پرخوابی، کابوس های شبانه، جدا نشدن از مراقبین، ترس از تنهایی و... بروز می‌یابد. (ضرغامی، 1398 ه.ش، ص1)

نتیجه، آن که سه نوع رنج از این بیماری نسبت به کودکان، محتمل است:

1. مرگ
2. بیماری
3. عذاب روحی ناشی از ترس و بیماری خود کودک
4. رنجش از بیماری یا مرگ عزیزان

اگرچه امور مذکور، اختصاصی به کودکان ندارد؛ اما ویژگی‌های خاص کودکان؛ چون معصومیت، ناتوانی، عدم استحقاق عقوبت و... سبب می شود تا انواع آسیب ها و رنج های ناشی از حوادث مختلف طبیعی یا شرور فراگیری چون بیماری کرونا نسبت به کودکان، ظالمانه تلقی شود و از این جهت، در نگاه فلسفه دین، شرور، قرینه ای علیه وجود خداوند می شود و در ثنویه، یگانگی خداوند را نشانه می‌رود. در رسالت کلامی نیز، سوال از عدل و حکمت الهی است. خدایی که قاطعانه، عادل و حکیم خوانده می‌شود؛ چگونه کودکی بی‌گناه را به بیماری تلخی چون کرونا یا پیامدهای ناشی از آن گرفتار می‌سازد؟

## رنج در کلام امامیه

متكلمان اسلامى با اذعان به وجود الم ها و مصایب و انواع ضرر و زيان هاى مادى، جسمى و روحى در جهان كنونى - كه به مجموع آنها عنوان «شر» اطلاق مي شود - تلاش مى‏كنند كه سازگارى شرور را با صفات كمالى الهى؛ نظير عدالت و حكمت اثبات كنند و برای این امر، مقدماتی ذکر نموده‌اند. با ذکر مقدمات در این مجال، مطابقت یا عدم مطابقت مباحث متکلمان بر رنج هایی که کودکان را مبتلا می سازد؛ بررسی می گردد.

از نگاه متکلمین، آلام؛ انواعی دارد:

1. بلایای استحقاقی: رنج هایی که خود مکلف، مستحق آن بوده و به نوعی، عکس العمل رفتار و کردار اوست، مانند فردی که بر خود، جراحت یا ضربه ای را وارد می سازد. به نظر می رسد در اين قسم از شرور، بين موافقان و مخالفان، مناقشه نيست و نقد و جرحى متوجه دين و آموزه‏هاى آن نمى‏شود تا متكلم دين در مقام دفع آن برآید:

این جهان کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا[[2]](#footnote-2)

1. بلایای ابتدایی: آلامی که خود فرد در پیدایش آن، نقشی ندارد و اصطلاحی است که در برابر بلایای استحقاقی به کار می‎رود.
2. بلایای طبیعی: آلامی كه پيامد قوانين طبيعت همچون زلزله و سیل است يا به طور مستقیم با هدف امتحان بندگان از سوی خدا وارد می‌شود.
3. بلایای اخلاقی: ناملايمت هايى كه توسط سایر افراد بشر بر دیگران وارد می آید؛ همانند ظالمى که به دیگران، جراحت وارد مى‏كند يا اموال آن‌ها را غصب مى‏کند.(حلی، 1413ه.ق، ص329-330، قدردان قراملکی، 1376 ه.ش، ص25 و محمدی، 1395 ه.ش، ص248-250)

هر یک از اقسام نام برده شده از سوی متکلمین، پاسخ هایی متناسب با آن مقام دارد و باید دید در بحث حاضر، شروری که بر کودک وارد می شود؛ در کدام دسته جای می گیرد.

به طور کلی، در مورد کودکانی که به سن تمیز و بلوغ نرسیده اند؛ شرور، استحقاقی نخواهد بود؛ زیرا کودکان، گناهی نکرده اند که به دلیل آن، مجازات شوند و اساسا پیش از بلوغ، اعمال و رفتار آن‌ها گناه به حساب نمی‌آید.

آزمایش کودکان با هدف تکامل نیز، مسئله ای نیست که برای کودکان، قابل درک باشد و نمی توان شروری که بر کودک وارد می شود را از این دسته دانست. در نتیجه، شرور کودکان، ابتدایی است؛ اما اینکه آلام وارده بر آن ها در دسته شرور طبیعی یا اخلاقی است؛ به منشا شر بازگشت دارد. (برنجکار، 1399 ه.ش، حکمت شرور در مورد کودکان)

در مورد منشا ویروس کرونا، هنوز اطلاعات دقیقی در دست نیست و گمانه زنی‌هایی در این باره وجود دارد که کرونا، ساخته دست بشر است و در آزمایشگاه های تجربی، تولید شده. در ابتدای امر نیز چین و آمریکا هر یک، طرف مقابل را به ساخت این ویروس با اهداف سیاسی، متهم نمودند. با این حال، هنوز این بحث در حد یک نظریه باقی مانده است و دلایل کافی برای رد یا اثبات آن، در دست نیست. در نتیجه نمی توان گفت که ویروس کرونا در کدام دسته از شرور قرار می‌گیرد و باید هر دو مقام شر طبیعی و اخلاقی را در نظر داشت.

## رابطه رنج در کودکان با اوصاف الهی در کلام امامیه

شایع ترین چالش عقیدتی که شرور در میان عموم مردم ایجاد کرده، در برابر عدل و حکمت الهی است. در علم کلام اسلامی هم شر به عنوان الم و رنج، در ذیل مباحث عدل و حکمت الهی مطرح می شود. در واقع، سوال اصلی این جاست که اگر امامیه، عدل و حکمت را از اوصاف الهی برمی شمارد؛ چگونه وجود شر، توجیه می‌گردد؟ آیا می‌توان با وجود شر، خدا را عادل و حکیم دانست؟ در بحث از شرور کودکان نیز، این سوالات با هیجان و احساسات شدیدتری عجین می‌شود که چگونه خداوند حکیم و عادل، کودکی بی گناه را رنج می‌دهد؟

متكلمان اسلامى با پذیرش وجود شر در عالم؛ تلاش دارند سازگارى شرور را با صفات كمالى الهى نظير عدالت و حكمت اثبات كنند و براى اين منظور بدون انكار وجود شرور و با طرح اصل «جبران» مدعاى خود را اثبات می‌كنند.

### 4-1. رنج بیماری های فراگیر در کودکان و عدل الهی

عدل الهی در اصطلاح علم کلام، بحثی درباره افعال الهی، از حیث ارزشی، یعنی حسن و قبح است؛ از این رو عدل به معنای تنزیه خداوند از انجام کار قبیح است:

«الکلام فی العدل، کلام فی تنزیه الله سبحانه و تعالی عن فعل القبیح و الاخلال بالواجب» (طوسی، 1406 ه.ق، ص84)

بر این اساس، همه صفات فعلی خدا از جهت ارزشی، در زیرمجموعه عدل الهی قرار می گیرند. بیماری‌های فراگیری چون کرونا نیز به طور مستقیم (اگر شر طبیعی به حساب آید) یا غیر مستقیم (اگر ساخته دست بشر تلقی شود)؛ فعل الهی به شمار می رود، بنابراین، چالش اصلی این است که اگر کرونا، مستقیم یا غیر مستقیم، فعل الهی به حساب ‌آید؛ نمی توان خدا را عادل برشمرد. تقریر منطقی این استدلال به شکل زیر است:

ایجاد شر به معنای ایجاد الم و رنج است و ایجاد رنج در دیگران، قبیح و ظالمانه است. عاقل نیز کار کسی که بی جهت دیگری را مورد اذیت و آزار قرار بدهد، تقبیح نموده و او را ظالم معرفی می کنند.خداوند، عادل است و مرتکب قبیح نمی شود.

نتیجه: خداوند شر را ایجاد نمی کند. (حلی، 1413، ص330)

بر اساس استدلال فوق، عدالت خداوند، مانع از ایجاد شرور می‌شود؛ اما به واقع، شر وجود دارد و این یعنی خداوند، عادل نیست.

متکلمان در پاسخ به چالش اخیر، میان رنج اخلاقی(که منشا انسانی دارد) و طبیعی (که منشایی الهی دارد) تفکیک نموده اند:

### 4-1-1. شر اخلاقی

شر اخلاقی، منشایی انسانی دارد؛ اما نمی توان این نکته را از نظر دور داشت که این، خداوند است که به انسان‌ها قدرت و اختیار داده و آن ها با استفاده از قدرت و اختیار خدادادی خود، مرتکب اذیت و آزار دیگران می شوند، پس خداوند نیز خواه، نا خواه، مسئول شناخته می‌شود و از این رو، باید حق مظلوم را از ظالم بگیرد. در اصطلاح متکلمین، این اصل، به اصل انتصاف تعبیر شده است که بر اساس آن، خداوند عادل، يا در همين دنيا از مظلوم، حمايت مى‏كند و ظالم را به قهر خويش مبتلا مى‏سازد، يا اين كه مظلوم و ظالم را به روز رستاخيز حواله مى‏دهد. (طوسی، 1406ه.ق، ص153، فاضل مقداد، 1405 ه.ق، ص286 و حلبی، 1414 ه.ق، ص38) دلیل متکلمین بر اصل انتصاف، به تعبیر خواجه؛ هم عقلی و هم نقلی است. خداوند فرموده که در قیامت، میان بندگانش، حکم خواهد کرد و این نشان گر آن است که حق مظلوم را از ظالم خواهد گرفت.(زمر/36)

از نظر عقل نیز، انتصاف، واجب است؛ چرا که خداوند، تدبیر امور بندگان را بر عهده دارد و همانند پدری که واجب است حق فرزندش را طلب کند؛ برای بنده اش، دادخواهی می‌نماید. دیگر آن که ترک انتصاف و دادخواهی از سوی پروردگار، حق مظلوم را ضایع می‌کند؛ چرا که از یک سو، خدای تعالی، ظالم را متمکن ساخته و با وجود این که می‌توانست با قدرت خویش، از ظلم او ممانعت کند؛ بر حسب مصالحی، این کار را نکرد و ظالم را آزاد و مختار گذاشت. از طرفی دیگر، خود مظلوم نیز در انتصاف و دادخواهی از ظالم، توانا نیست؛ در نتیجه اگر خداوند، دادخواهی نکند؛ حق مظلوم از بین می رود که این امر از نظر عقلی، قبیح است و قبیح از مولای حکیم صادر نمی‌شود. (حلی، 1413 ه.ق، ص335)

پیرامون کیفیت انتصاف و دادخواهى؛ اقوال مختلفى از سوی متکلمان، مطرح شده است: بعضى معتقدند خداوند، ثواب و حسنات ظالم را به مظلوم و گناهان و كيفر مظلوم را به ظالم، منتقل مى‏كند و برخی بر این باورند که خداوند، به اندازه‏اى مظلوم را سرشار از ثواب و اجر می نماید كه نه تنها ظلمى كه در دنيا بر او رفته است؛ جبران مى‏شود كه از او، راضى و خشنود نيز مى‏گردد. متكلمان در اين مقال، مباحث‏ ژرف و گسترده ای را طرح نموده‌اند تا جایی که شعاع آن را به حقوق و آلامى كه بر حيوانات وارد مى‏شود نيز گسترانیده‌اند؛ آنچه در میان این مباحث، حائز اهمیت است این که قاطبه متكلمان اسلامى بر جبران حق مظلوم و شخص متالم و مبتلا به شرور و آلام، تاكيد و اتفاق نظر دارند. (شیخ طوسی، 1406 ه.ق، ص153، فاضل مقداد، 1420 ه.ق، ص189، عبیدلی، 1381 ه.ش، ص384)

### 4-1-2. شر طبیعی

متکلمان، شرور طبیعی را در دو قسم شرور استحقاقی یا کیفری و شرور غیر استحقاقی و غیر کیفری (شرور ابتدایی) جای داده‌اند. شرور استحقاقی، کیفر گناهان است و حق گناهکاران و عین عدالت است. همان‎گونه که قبلا نیز گذشت؛ کودکان، هنوز مکلف به تکلیفی نشده‎اند تا تخلف از آن، استحقاق عقاب یا المی را به دنبال داشته باشد. پس این قسم، از شرور طبیعی، محل بحث نیست.

آنچه در بحث از شرور فراگیر و کودکان، مطرح می‌گردد؛ شرور ابتدایی است. در اين قسم از شرور و آلام، واسطه‏اى بين رنج و خداوند نيست، از این رو متكلمان اسلامى در این مقام، به طريق اولى، قايل به اصل جبران هستند و معتقدند كه خداوند مى‏بايست در مقابل اين همه درد و رنجی كه متوجه انسان‌ مى‏شود، در دنيا يا آخرت به اندازه‏اى جزا و پاداش اعطا كند؛ تا رنج وارد شده، جبران گردد. از اين اصل در اصطلاح كلامى، به «عوض‏» يا «اعواض‏» تعبير مى‏شود. عوض می‌تواند نفع یا دفع ضرری بیشتر از الم باشد؛ به تعبیر خواجه نصیرالدین طوسی:

«لاشتماله علی النفع أو دفع الضرر الزائدَین» (حلی، 1413 ه.ق، ص329)

به طور کلی، دو دیدگاه از متکلمان امامیه پیرامون شرور ابتدایی وجود دارد:

در دیدگاه نخست که عموم متکلمان امامیه به آن اعتقاد دارند؛ برای خروج عنوان ظلم؛ از شرور ابتدایی، خداوند، باید عوض شر را بدهد و برای خروج فعل شر از عبث بودن، حکمت لطف در شر، لازم است؛ یعنی شر باید به صورتی باشد که لطف به شمار آید و خداوند با ایجاد شر، افرادی را به خدا و دین خود، سوق دهد. مراد از لطف در اصطلاح متکلمان؛ «ما یقرب العبد الی الطاعه و یبعده عن المعصیه» است؛ یعنی آن چه که بنده را به طاعت خداوند؛ نزدیک و او را از معصیت و گناه؛ دور سازد. (خواجه طوسی، 1405 ه.ق، ص342 و حلی، 1365 ه.ش، ص8) بنابراین، برای جبران شرور ابتدایی هم لطف و هم عوض لازم است. عوض، برای آن است که رنج، ظلم محسوب نشود و لطف برای آن که شر، عبث و بیهوده نباشد.

سید مرتضی در همین زمینه می‌گوید:

«و قد يفعل اللّه الألم‏ في البالغين‏ و الأطفال و البهائم. و وجه حسن ذلك في الدنيا لأنه يتضمن اعتبارا يخرج به من أن يكون عبثا أو عوضا يخرج به من أن يكون ظلما»

گاه خداوند، رنج و المی را در حق افراد بالغ، کودکان و حیوانات، روا می‌دارد که جهت حسن آن رنج، در دنیا به اعتباری است که آن را دربرمی‌گیرد و رنج را از عبث بودن، خارج می‎کند (منظور، همان عنوان لطف است) یا عوضی می‌دهد که رنج را از تحت عنوان ظلم؛ خارج می‌سازد. (شریف مرتضی، 1387 ه.ق، ص44 و شریف مرتضی، 1411 ه.ق، ص230)

دیدگاه دیگری نیز در میان معدودی از متکلمان همچون حمصی رازی وجود دارد که علامه حلی آن را در کتاب «کشف المراد» به برخی مشایخ و در کتاب «انوارالملکوت» به بعضی از معتزله نسبت می دهد. (حلی، 1413 ه.ق، ج1، ص331 و حلی، 1363 ه.ش، ص124) بر اساس این دیدگاه، لطف برای خارج شدن شرور طبیعی ابتدایی از قبیح بودن؛ کافی است و نیازی به طرح نظریه عوض نخواهد بود. به عبارت دیگر یکی از دو جبران؛ یعنی عوض یا لطف برای خارج شدن شر ابتدایی از قباحت کفایت می‎کند:

«و جوز بعض المشايخ إدخال الألم على المكلف إذا اشتمل على اللطف و الاعتبار و إن لم يحصل في مقابلته عوض»؛ بعضی از مشایخ؛ جایز دانسته اند که الم بر مکلف وارد آید زمانی که لطف و اعتبار را شامل شود؛ هر چند که عوضی در مقابلش نباشد. (حلی، 1413 ه.ق، ج1، ص331)

به نظر می‎رسد میان لطف در نظریه دوم و سوم؛ تفاوتی وجود داشته باشد؛ زیرا در نظریه دوم، پاسخ به شبهه عبث بودن رنج؛ با مطلق لطف حل می‌شود؛ بنابراین، متعلق لطف، یا خود شخص مبتلا به الم است و یا افراد دیگر، در حالی که در نظریه سوم، متعلق لطف، تنها باید شخص مبتلا به الم باشد، چرا که لطف، در این دیدگاه؛ هم باید پاسخگوی شبهه عدل باشد و هم مشکل حکمت را برطرف سازد و روشن است که لطف به دیگران نمی‌تواند، ظلمی را که بر خود فرد، وارد شده؛ جبران کند. (حمصی رازی، 1412ه.ق، ص321 و حلی، 1363 ه.ش، ص124)

حمصی رازی می گوید:

«فأمّا الإيلام لمجرّد حصول المصلحة فيه، فإن كانت المصلحة الحاصلة فيه لغير المؤلم فانّه لا يحسن بالاتفاق من حيث أنّه لا يحسن إيلام زيد لينتفع عمرو و لا ينتفع زيد أصلا...»؛ در رنج‌ها صرف حصول مصلحت کافی است. اگر مصلحت حاصله در رنج، برای فردی غیر از رنج کشیده باشد؛ رنج، حسن نیست؛ چرا که درست نیست رنجی به زید برسد تا عمرو نفع ببرد و به زید، سودی نرسد. (حمصی رازی، 1412 ه.ق، ج1، ص321)

### 4-2. رنج بیماری های فراگیر در کودکان و حکمت الهی

حکمت و دلیل رنج بردن، یکی از پرسش‌های رایج در مسئله شرور است. حکمت شرور استحقاقی در ضمن مباحث پیشین، تا حدی، بیان شد که همانا کیفر و مجازات گناه است. در مورد حکمت شرور ابتدایی نیز دیدگاه‌های متفاوتی چون آزمایش، لطف و تکامل انسان‌ها طرح گردیده که با توجه به هدف بحث حاضر، بایستی حکمت های مطرح شده را با رنج در کودکان، مطابقت بخشید.

### 4-2-1. حکمت های شرور کیفری در منابع اسلامی

بر اساس آیات متعددی از قرآن کریم، همه‌ی شرور استحقاقی و کیفری، نتیجه‌ی گناهان انسان‌هاست:

«وَ مَآ أَصَابَکُم مِن مُصِیبَۀٍ فَبِمَا کَسَبَتْ أَیْدِیکُمْ وَ یَعْفُواْ عَن کَثِیرٍ»؛ هر مصیبتی که به شما رسید، به‌خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و بسیاری را نیز می‌بخشد. (شوری/30)

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ»؛ فساد در خشکی و دریا به‌خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند؛ آشکار شده است. (روم/41)

در برخی از آیات نیز، بیان شده که اگر مردم از گناهان دست شسته، ایمان آورده و تقوا پیشه کنند؛ برکات الهی از آسمان و زمین، آن‌ها را فرا خواهد گرفت:

«وَ لَوْ أَنَّ أهْلَ الْقُرَی ءَامَنُواْ وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِم بَرَکَتٍ مِنَ السَّمَآءِ وَ الْأَرْضِ»؛ و اگر اهل آبادی‌ها، ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها گشوده بودیم. (اعراف/96)

به طور کلی، افرادی که به شرور کیفری، مبتلا می‌شوند، در دو دسته جای دارند:

گروه نخست، مورد غضب خداوند بوده و بر اساس عدل الهی که مقتضی کیفر بدکاران است، با آن‌ها رفتار می‌شود. اقوامی که در طول تاریخ به عذاب‌های سخت الهی دچار شده‌اند، از این قبیل‌اند. قرآن کریم پس از گزارش سرگذشت برخی از این اقوام می‌فرماید:

«فَکُلاً إخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُم مَنْ أرْسَلْنَا عَلَیْهِ حَاصِباً وَ مِنْهُم مَنْ أخَذَتْهُ الصَّیْحَۀُ وَ مِنْهُم مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَ مِنْهُم مَنْ أغْرَقْنَا وَ مَا کَانَ اللهُ لِیَظْلِمَهُمْ وَ لَکِن کَانُواْ أنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ»؛ ما هر یک از آنان را به گناهشان گرفتیم، پس بر بعضی از آن‌ها طوفانی از سنگریزه فرستادیم و بعضی از آنان را صیحه‌ی آسمانی فرو گرفت و بعضی دیگر را در زمین فرو بردیم و بعضی را غرق کردیم و خداوند هرگز به آن‌ها ستم نکرد، ولی آن‌ها خودشان بر خود ستم کردند.(عنکبوت/40)

گروه دیگری که به شرور کیفری مبتلا می‌شوند، کسانی هستند که از باب لطف و کرم و جلوگیری از مبتلا شدن به شقاوت و شرور نهایی و ابدی، متحمل ناملایمات می‌شوند. هر چند حکمت کلی شرور برای گروه دوم، مجازات همراه با لطف و بازگشت به خدا و طاعت او و رسیدن به کمال است، اما حکمت های جزئی تری برای ابتلای این افراد به شرور، در آیات و روایات ذکر شده است:

#### 4-2-1-1. بازگشت از انحراف به سوی مسیر درست

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ أیْدِی النَّاسِ لِیُذِیقَهُم بَعْضَ الَّذِی عَمِلُواْ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ»؛ فساد در خشکی و دریا به دلیل کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ به‌خاطر این که خدا می‌خواهد نتیجه‌ی بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید بازگردند.(روم/41)

#### 4-2-1-2. یادآوری و عبرت آموزی

«وَ لَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ»؛ همانا ما فرعونیان را سخت به قحط و تنگی معاش و نقص و آفت برکشت و زرع مبتلا کردیم تا شاید متذکر شوند.(اعراف/130)

#### 4-2-1-3. یادآوری استغفار از گناه

امام صادق (ع) در این باره می‌فرمایند: «إِنَّ اللهَ إِذَا أرَادَ بِعَبْدٍ خَیْراً فَأذْنَبَ ذَنْباً، أَتْبَعَهُ بِنَقِمَۀٍ وَ یُذَکِّرُهُ الاِسْتِغْفَار»؛ خدا وقتی برای بنده‌ای که گناه کرده خیر خواهد، او را دچار مشکلی می‌کند و او را متذکر استغفار می‌کند.(کلینی، 1362 ه.ش، ج2، ص452)

#### 4-2-1-4. تادیب ظالم با هدف بازگشت به مسیر درست

امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرمایند: «انّ البَلاءُ لِلظّالِمِ أدَب» (مجلسی، 1404 ه.ق، ج78، ص198)

#### 4-2-1-5. توبه، بازگشت از گناه، متذکر شدن و دوری از گناه

در برخی احادیث نیز چند حکمت، با هم ذکر شده است؛ توبه، بازگشت از گناه، متذکر شدن و دوری از گناه:

ا«ِنَّ اللهَ یَبْتَلِی عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّیِّئَۀِ بِنَقْصِ الَّثَمَراتِ وَ حَبْسِ الْبَرَکَاتِ وَ إِغْلاقِ خَزَائِنِ الخَیْرَاتِ، لِیَتُوبَ تَائِبٌ وَ یُقْلِعَ مُقْلِعٌ وَ یَتَذَکَّرَ مُتَذَکِّرٌ وَ یُزدَجَرَ مُزْدَجِر»؛ خدا بندگانش را‌ـ هنگامی که کارهای بد انجام می‌دهند‌ـ با کاهش محصولات و جلوگیری از برکات و بستن گنجینه های خیر گرفتار می‌کند، تا توبه کار، بازگردد و جداشونده از گناه، جدا شود، و پندپذیر، پند بپذیرد و بازداشته شده، خودداری کند.(نهج البلاغه، خطبه143)

#### 4-2-1-6. تطهیر و پاکی از گناه

یکی از حکمت های مربوط به گروه دوم، که در کتاب های شیعه و سنی بسیار ذکر شده، تطهیر و پاکی از گناهان است. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند:

«مَا یُصِیبُ الْمؤمِنَ مِنْ وَصَبٍ وَ لا نَصَبٍ وَ لا سَقَمٍ وَ لا حُزْنٍ حَتَّی الْهَمِّ یُهِمُّهُ إِلا کَفَّرَ اللهُ بِهِ من سیئاته» ؛ مؤمن گرفتار درد مزمن و سختی و مرض و اندوه و حتی غمی که او را غمگین می‌کند، نمی‌شود مگر این که با این‌ها گناهانش از بین می رود. (نهج الفصاحه، ج1، ص690)

همان‌گونه که قبلا نیز گذشت؛ رنج های وارد شده بر کودکان غیر بالغ؛ استحقاقی نیست. در نتیجه حکمت‌های ذکر شده در این باب هم نمی‌تواند در مورد آنان، مورد استفاده قرار بگیرد. ناملایماتی که بر کودکان وارد می‌آید، حتی اگر با هدف تادیب باشد نمی تواند در دسته آلام استحقاقی قرار گیرد؛ چرا که کودکی که به تکلیف نرسیده، گناهی را مرتکب نشده که به واسطه آن، مورد عقاب قرار گیرد.

### 4-2-2. حکمت‌های شرور غیر تکفیری

مطالعه زندگی پیامبران و اولیای الهی، نشان گر آن است که گاه، آنان بیش از دیگران، گرفتار سختی‌ها و ناملایمات بوده‌اند و از طرفی، با وجود معصومیت، حکمت رنج‌های وارده بر آن‌ها؛ نمی‌تواند کیفر گناهان و تطهیر از آلودگی‌ باشد.[[3]](#footnote-3) حکمت شرور در کودکان غیر بالغ نیز که در مواردی، پس از تولد، رنج‌ها و بیماری‌هایی را به همراه دارند یا در طی حیات خود با آلامی همچون مرگ، بیماری‌های فراگیر، حوادث طبیعی و... مواجه می‌شوند نیز در همین دسته، جای می‌گیرد.

#### 4-2-2-1.تکامل

احادیث، تکامل و وصول به درجات بالاتر را به عنوان یکی از حکمت‌های شرور ابتدایی، ذکر کرده‌اند. علی بن رئاب از امام صادق (ع) در مورد آیه شریفه: ﴿ وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾ می‌پرسد و این که چگونه امیرالمؤمنین و اهل بیت او که معصوم‌اند، مصداق این آیه می‌شوند؟ امام در پاسخ می‌فرمایند: این آیه در مورد معصومان نیست، چرا که پیامبر اکرم در شبانه روز، صد‌بار استغفار می‌کردند، در‌حالي‌كه گناهی مرتکب نشده بودند. سپس فرمودند: «إِنَّ اللهَ یَخُصُّ أولِیَاءَهُ بِالْمَصائِبِ لِیَأْجُرَهُمْ عَلَیْهَا مِنْ غَیْرِ ذَنْبٍ»؛ خدا مصیبت‌ها را مختص اولیای خود کرده است تا به‌خاطر این مصیبت‌ها به آن‌ها پاداش دهد، بدون این که آن‌ها گناهی کرده باشند. (حرعاملی، بی تا، ج16، ص85)

گاه، این‌گونه شرور، از باب فضل و رحمت به اولیای الهی و معصومین می‌رسد تا به وسیله رنج‌های اندک، به خیرات ابدی نائل آیند؛ از این روست که هر‌چه فرد، در نزد خدا محبوب‌تر باشد، بیشتر به شرور غیرکیفری مبتلا خواهد شد. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «إِنَّ فِی الجَنَّة مَنْزِلَيةً لَایَبْلُغُها عَبْدٌ إِلا بِالابْتِلاءِ فِی جَسَدِهِ»؛ در بهشت جایگاهی هست که هیچ بنده‌ای به آن نمی‌رسد، مگر از طریق گرفتاری در جسمش. (حرعاملی، بی تا، ج3، ص261)

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «إنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِیَاءُ، ثُمَّ الَّذِینَ یَلَوْنَهُمْ، ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ»؛ سخت‌ترین مردم از جهت بلاء پیامبران هستند، و پس از آن‌ها کسانی که از لحاظ جایگاه پس از آن‌ها هستند، و سپس کسانی که بیش‌تر شبیه آن‌ها هستند و همین‌طور. (حرعاملی، بی تا، ج3، ص262)

این احادیث، اختصاصی به اولیای الهی ندارد و هر انسانی‌ـ اعم از معصوم و غیر معصوم‌ـ هنگامی که در برابر شرور ابتدایی و ناملایمات محدود، صبر کند و موضع درستی در پیش گیرد، به خیرات نامحدود و ابدی نائل می‌آید. تفاوت معصوم و غیرمعصوم در این مقام، این است که همه‌ی شروری که به معصومان می‌رسد، شرور غیر کیفری است، امّا شروری که به دیگران می‌رسد، ممکن است از نوع شرور کیفری نیز باشد.

#### 4-2-2-2. حکمت آزمایش و ابتلاء

آزمایش، حکمتی عام است که شرور و خیراتی را که بر گناه کاران و بی گناهان می‌رسد؛ شامل می‌شود. قرآن کریم در آیات متعددی، به بیان این مطلب می‌پردازد:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ»؛ هر انسانى مرگ را مى‌چشد، و شما را با شر و خیر آزمايش مى‌كنيم و بسوى ما بازگردانده مى‌شويد.(انبیاء/35)

«وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ‌ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ قطعاً همه شما را با چيزى از ترس، گرسنگى، و كاهش در مال ها و جان ها و محصولات، آزمايش مى‌كنيم؛و بشارت ده به استقامت‌كنندگان‌.(بقره/155)

«وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ»؛ ما همه شما را قطعاً مى‌آزمائيم تا معلوم شود مجاهدان واقعى و صابران از ميان شما كيانند، و اخبار شما را بيازماييم‌. (انبیاء/31)

در این آیات، آزمایش؛ حکمت ابتلا به شرور دانسته شده است. حکمت خود آزمایش نیز، دو چیز است: یکی تعیین وضعیت انسان ها، که نتیجه اش روشن شدن جایگاه ابدی آن هاست و دیگری، وادارکردن آزمایش شوندگان به تلاش و کوشش، که نتیجه آن، رسیدن به کمال است. حکمت آزمایش، با آثار و نتایج آن، مختص گناه‌کاران یا معصومان نیست و شامل همه انسان‌ها می‌شود؛ اما پرسش اصلی در این نگارش، آن است که آیا آزمایش می‌تواند به عنوان حکمتی بر رنج‌های کودکان مطرح شود؟ متکلمان در پاسخ به این پرسش؛ احتمالاتی را مطرح نموده‌اند:

* ممکن است شری که بر کودک، وارد می‌شود، دربردارنده‌ی حکمت‌هایی برای دیگران داشته باشد؛ مانند آزمایش، مجازات یا ترفیع درجه پدر و مادر. قائلان به این دیدگاه، در تایید رای خویش به نقل حدیثی از امیر‌المومنین می‌پردازند که بیماری کودک، کفاره گناهان پدر و مادرش می‌شود: «فی المرض یُصیب الصبی قال کفاره لوالدیه». (مجلسی، 1404 ه.ق، ج5، ص317).

به نظر می‌رسد این پاسخ، کافی نیست؛ چرا که بر اساس آن، حکمت رنج‌های وارد شده بر کودک را بیان نمی‌کند. روایت نیز، علت و حکمت بیماری کودک را پاک شدن گناه والدین نمی‌داند؛ بلکه فعل «یصیب» در روایت به صورت مجهول آمده تا به علت بیماری کودک، اشاره نشود. در حقیقت، محتوای روایت با محل بحث جاری، یکسان نیست و اشاره حدیث به اجر و ثواب پدر و مادری است که از فرزند بیمار خود، پرستاری می‌کنند و پاداش این حمایت، کفاره گناهان آن‌ها می‌شود.

* ممکن است رنج و ناملایماتی که به کودک می‌رسد، در آینده و پس از بلوغ، آزمایش و امتحان او شود یا سبب تکاملش گردد.

این پاسخ اگرچه به مقدمات و فروعات بیشتری نیاز دارد تا بر جان پرسش‌گر، نشیند؛ اما قابل قبول به نظر می‌رسد؛ زیرا همانگونه که گذشت، گاه، بهای تکامل و وصول به درجاتی از بهشت؛ تنها از مسیر ناملایمات و رنج‌هایی است که انسان را در مسیر سازندگی قرار می‌دهد. انضمام این پاسخ با مباحث پیش گفته از عوض و جبران الهی می‌تواند یکی از حکمت‌های شرور در کودکان باشد.

#### 4-2-2-3. یکی از اسباب مرگ

در روایتی از امام صادق (ع) پیرامون حکمت شر و بیماری در کودک، این گونه سوال شد:

«فِبمَا اسْتَحَقَّ الطِّفْلُ الصَّغِيرُ مَا يُصِيبُهُ مِنَ الْأَوْجَاعِ وَ الْأَمْرَاضِ بِلَا ذَنْبٍ عَمِلَهُ وَ لَا جُرْمٍ سَلَفَ مِنْهُ»؛ خردسالی که نه گناهی را مرتکب شده، نه جرمی از او سر زده، به چه سبب، مستحق دردها و بیماری‌هایی شده است که به وی می‌رسد؟ امام (ع) در پاسخ فرمودند:

«إِنَّ الْمَرَضَ عَلَى وُجُوهٍ شَتَّى مَرَضِ بَلْوَى وَ مَرَضِ عُقُوبَةٍ وَ مَرَضٍ جُعِلَ عِلَّةً لِلْفَنَاء»؛ بیماری، بر چند نوع است: بیماری آزمون، بیماری کیفر و بیماری‌ای که علت مرگ قرار داده شده است.(طبرسی، 1403 ه.ق، ج2، ص225 و مجلسی، 1404 ه.ق، ج10، ص171)

بر اساس این روایت، حکمت برخی بیماری ها، آزمایش است؛ حکمت برخی دیگر، کیفر و عقاب است و حکمت دسته سوم، پایان زندگی است و چون در مورد کودک، دو حکمت اول، صدق نمی‌کند؛ پس رنجی که کودک در اثر آن از دنیا می‌رود، وسیله ای برای پایان زندگی اوست؛ زیرا زندگی؛ فضل و کرمی از سوی خدا است که هر وقت بخواهد می تواند آن را بازستاند. یکی از ابزارهای اخذ حیات، بیماری است.

بنابراین، می توان گفت رنج بیماری که به کودک می رسد، نسبت به دیگران می تواند آزمایش یا مجازات یا ترفیع درجه باشد، اما برای خود کودک؛ یا وسیله ای برای اجل و اخذ حیات، یا آزمایشی برای پس از بلوغ است.

# نتیجه

از مجموع بحث حاضر به دست می‌آید که:

* رابطه زیست مومنانه با مسئله رنج، از جمله چالش‌های برآمده از بیماری همه گیر کویید 19 است که عدالت و حکمت خداوند را نشانه رفته است.
* کودکان یکی از گروه‌هایی هستند که در شرور فراگیر، آسیب های مختلفی چون: مرگ، ترس، عذاب روحی و بیماری را از سر می‌گذرانند و معصومیت آنان در مواجهه با شرور؛ علاوه بر عقل، احساسات را نیز درگیر می‌نماید.
* رنجی که به کودک می‌رسد؛ استحقاقی نیست؛ چرا که پیش از سن تکلیف، گناهی صورت نمی‌گیرد تا مجازاتی را در پی داشته باشد و کودک، مستحق رنجی باشد.
* در نوع دیگری از رنج، موسوم به شر اخلاقی که منشایی انسانی دارد؛ خداوند نیز به صورت غیر مستقیم، مسئول شناخته می‌شود؛ چرا که قدرت و اسباب ظلم را در اختیار ظالم قرار داده، بنابراین رنج وارد شده بر کودک باید با انتصاف و دادخواهی از ظالم در دنیا یا آخرت، جبران شود.
* در شرور ابتدایی طبیعی که واسطه ای میان رنج و خدا نیست؛ به دو صورت لطف یا عوض یا هر دوی آن‌ها؛ جبران صورت می‌پذیرد.
* حکمت شرور غیر تکفیری(ابتدایی) در کودک می تواند یکی از چهار عنصر ذیل باشد:

تکامل، آزمایش نسبت به خود کودک پس از بلوغ، ابتلاء نسبت به اطرافیان کودک و یکی از اسباب مرگ.

و من الله توفیق و علیه التکلان

# فهرست منابع

* قرآن
* نهج البلاغه
* نهج الفصاحه

1. *ابن منظور، جمال الدین، (1414 ه.ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، چ3.*
2. *برنجکار، رضا، شرور و کرونا، (1399 ه.ش)، دروس خارج شرور و کرونا، قم: انجمن کلام حوزه به گزارش مدرسه فقاهت.*
3. *حر عاملی، محمد بن الحسن، (بی‌تا)، وسائل الشیعه، قم: آل البیت(ع) لاحیاء التراث.*
4. *حلبی، ابوالحسن، (1414 ه.ق)، اشاره السبق، قم: موسسه النشر الاسلامی، چ1.*
5. *حلی، جمال الدین، (1363 ه.ش)، الباب الحادی عشر، تهران: موسسه مطالعات اسلامی، چ1.*
6. *------------، (1365 ه.ش)، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، قم: الشریف الرضی، چ2.*
7. *------------، (1413 ه.ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، بیروت: دارالصفوه، چ1.*
8. *حمصی رازی، سدید الدین، (1412 ه.ق)، المنقذ من التقلید، قم: موسسه نشر اسلامی، چ1.*
9. *خواجه طوسی، محمد بن محمد، (1405 ه.ق)، تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، بیروت: 140ه.ق، چ2.*
10. *راغب، حسین بن محمد، (1412 ه.ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه، چ1.*
11. *شریف مرتضی، ابوالقاسم، (1387 ه.ش)، جمل العلم و العمل، نجف: الآداب، چ1.*
12. *----------------، (1411 ه.ق)، الذخیره فی علم الکلام، قم: موسسه نشر اسلامی.*
13. *ضرغامی، محمد حسین، (1398 ه.ش)، کرونا ویروس و کودکان، مرکز تحقیقات علوم رفتاری.*
14. *طبرسی، ابومنصور، (1403 ه.ق)، الاحتجاج، مشهد: نشر المرتضی، چ1.*
15. *طوسی، ابوجعفر محمد، (1406 ه.ق)، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، بیروت: دارالاضواء، چ2.*
16. *عبیدلی، عمیدالدین، (1381 ه.ش)، اشراق اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت، تهران: میراث مکتوب.*
17. *فاضل مقداد، جمال الدین، (1405 ه.ق)، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.*
18. *----------------،(1422 ه.ق)، اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ2.*
19. *فراهیدی، خلیل بن احمد، (1409 ه.ق)، کتاب العین، قم: دارالهجره، چ2.*
20. *قدردان ملکی، محمد حسن، (1376 ه.ش)، مسئله شر از دیدگاه متکلمان، قم: نامه مفید، ش9.*
21. *کلینی، محمد بن یعقوب، (1362 ه.ش)، الکافی، تهران: انتشارات اسلامیه، چ2.*
22. *مجلسی، محمد باقر، (1404 ه.ق)، بحارالانوار، بیروت: الوفاء.*
23. *محمدی، علی، (1394 ه.ش)، شرح کشف المراد، قم: دارالفکر، چ1.*
24. *مصطفوی، حسن، (1385 ه.ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز نشر علامه مصطفوی، چ1.*
25. *سایت سازمان ملل متحد (یونیسف)،* <https://www.unicef.org/iran/stories>

1. . دانشجوی دکتری رشته کلام دانشگاه قم و طلبه سطح 4 حوزه علمیه خواهران قم، مدرس دانشگاه اصول الدین قم، fmrt.1371@gmail.com [↑](#footnote-ref-1)
2. . مثنوی معنوی، دفتر اول، بخش 9 [↑](#footnote-ref-2)
3. . إنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِیَاءُ، ثُمَّ الَّذِینَ یَلَوْنَهُمْ، ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ ؛ سخت‌ترین مردم از جهت بلاء پیامبران هستند، و پس از آن‌ها کسانی که از لحاظ جایگاه پس از آن‌ها هستند، و سپس کسانی که بیش‌تر شبیه آن‌ها هستند و همین‌طور.(حر عاملی، ج3، ص262) [↑](#footnote-ref-3)